

تبارنامه
رستم علیخانی

تألیف:
رستم علیخانی

سرشناسه	: علیخانی، رستم، ۱۳۵۶
عنوان و نام پدیدآور	: تبارنامه، آبادی الک / تألیف رستم علیخانی.
مشخصات نشر	: سندج: انتشارات علمی کالج، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ت، ۳۲۸ ص.: نقشه.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۸-۲۸-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: الک - - نسب نامه
موضوع	: الک - تاریخ
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ع ۸ / کف ۷۷ / DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۹۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۸-۵۳۲



تبارنامه آبادی الک



نویسنده: رستم علیخانی
 ناشر: انتشارات علمی کالج / مدیر مسئول: کمال صریحی
 صفحه آرای: دریاچه / گرافیک و طراحی جلد: اسرار احمد
 نوبت چاپ: چاپ اول - ۱۳۹۳ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: سندج / سه راه ادب / مجتمع تجاری کردستان / طبقه همکف / واحد ۱۶۱ و ۱۶۲
 تلفن: ۰۳۲۹۱۰۸۶ - ۰۳۲۳۷۲۳۷ / فکس: ۰۸۷۱ ۳۲۳۵۷۹۶

مقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



فهرست

۴	قدمه
	نگفتار
۷	در بیان حدود حکومت الک
۹	قدیم ترین تیره
۱۴	فصل اول: ایفقه (بلواس) (بلباس)
۷۲	فصل دوم: طایفه‌های
۹۵	فصل سوم: تیره‌های
۱۰۹	فصل چهارم: تیره‌های تُرک
۱۱۳	فصل پنجم: تیره‌های جاف
۱۵۸	فصل ششم: تیره‌های لیلای
۱۶۵	فصل هفتم: تیره‌های میرآوایی
۱۷۳	فصل هشتم: تیره‌های هورامی
۱۹۳	فصل نهم: تیره‌های همه‌وند
۲۰۰	فصل دهم: سایر تیره‌ها
۲۰۹	فصل یازدهم: تیره‌های با مبدأ مهاجرت مشخص
	فصل دوازدهم: تیره‌هایی که نه مبدأ مهاجرت و نه انتساب به طایفه‌ی
	آنها مشخص است
	ضمیمه
۲۴۷	مختصری درباره تمامی‌های آبادی طیانیه
۲۵۵	مختصری درباره گویلی‌های آبادی سرباکام

مقدمه

حمد بی منتهی خالق را سزااست که از امتزاج آب و خاک، فطرت پاک آدم را و از نسل او چندین ملل و امم را از کتم عدم به عرصه وجود آورد.^۱

روزی که به امرحق جهان شد ایجاد و آدم شدخلق و آدمیزاد بزاد مسهروطن ومحبت قوم ونژاد درطینت مردم به ودیعت بنهاد به مصداق آیه شریفه وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا و هم چنین در بررسی آثار مورخین محلی که بحث‌های را به تیره‌ها وطوایف کردستان اختصاص داده بودند، محققان آنکس از آنکه به حقیقت پدید آورد که با وجود قلت بضاعت و فقدان استطاعت، خود را در عین دانسته که درخصوص تیره‌ها وطوایف ساکنان الکتدقیق نموده تا هویت مردم ساکنان الکت معلوم و مشخص گردد. بر رأی مرآت صفای ارباب فطنت و ذکا و اصحاب سیاست و مباحث مبرهن است.^۲ که همه تیره‌های ساکنان الکت، سوای تیره‌های قدیمی، مابقی از دوره قاجار به بعد با تفریق از طایفه و عشیره خود ترک دیار نموده، رو به سوی غرب و شرق مهاجرت به مرور دهور، متوطن گشته‌اند که قدیمی‌ترین این تیره‌ها بلواسی می‌باشد. این تیره در طول تاریخش بیشتر مهاجرت پذیر بوده تا مهاجرت فرست و این از کوناگونگی تیره‌ها به خوبی پیداست. اگر در علت و سبب بسیاری از این مهاجرت‌ها توجه و تدقیق نماییم، در می‌یابیم که مبنای کلی عموم این کوچیدن‌ها یا علت سیاسی داشته مانند بلوایان و زندیان یا مانند میرآوایی‌ها و لیلای‌ها، قحطی و گرانی مسبب مهاجرت بوده است. در دوره قاجار چندین بار قحطی و گرانی در مقیاس وسیع روی داده است که می‌توان به دوره خسروخان ناکام (۱۲۴۰-۱۲۵۰ قمری)، دوره فرهاد میرزا (۱۲۸۴-۱۲۹۰ قمری) و بی‌شک جنگ جهانی اول و قحطی ناشی از آن در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی، بزرگترین فاجعه تاریخ ایران و حتی از حمله مغول نیز فجیع تر بوده است. مناطق وسیعی را این برباثر حملات شدید نیروهای بیگانه نابود شد. قحطی و بیماری‌های همراه آن، کشتارهای گسترده تا نیمی از مردم ایران یعنی بین شش تا ده میلیون نفر شد و مصیبتی که به بار آورد که ابعاد آن غیرقابل تصور است.^۳ مرحوم مردوخ که مصادف این ایام در تهران بوده

۱- ص ۱۷ عشایر، ایلات وطوایف گرد.

۲- همان منبع ص ۱۹.

۳- ص ۳۹ تاراج بزرگ.

می‌نویسد: «به وسیله مکتوب از کردستان خبر رسید که نرخ گندم به خرواری دویست و سی تومان رسیده و باز گندم داران از فروختن گندم خودداری نموده که عسرت و مضیقه به جایی رسیده است که فقرا با خون قصاب خانه و گوشت مردار و خیک پاره و امثال آن حفظ حیات می‌کنند و چند نفر اولاد خود را خفه کرده، گوشت آنها را خورده‌اند و باز روز به روز بر تلفات افزوده شده و یا تهاجمات شریف‌الدوله به طایفه منمنی (مندمی) و گلوآخی (گلباغی) و شیخ اسماعیلی‌ها نیز چنان اوضاع را برای مردمان این طوایف سخت نموده بود که بسیاری، پریشان حال سر به کوه و بیابان گذاشته تا مسکنی امن برای خود بیابند. چنانکه خانوارهایی از این طوایف پریشان در دست ستم شدند.

جامعه آبادی الک از نقطه نظر طایفه‌ای، جمعیت به هم پیوسته‌ای را نشان می‌دهد که به وقوع افتلاط از تیره‌ها است. این جماعت متفاوت در شکل نام فامیلی «پرویزی» و «پیشانی» به ظاهر واحد و یکپارچه را نشان می‌دهند. اما بسیاری در ظاهر نام فامیلی پیشانی را هم دارند، اما هیچ نسبت پدری با هم ندارند. در این مکتوب سعی شده است تا نسبت این کنفدراسیون را یک به یک مشخص نماییم. تا دریابیم اینان هر کدام راجعاً و انتساب به کدامیک از طوایف کردستان هستند. در جمع آوری اطلاعات لازم برای تعیین هویت خانواده‌ها، بامشکلات زیادی روبرو شدم چرا که بسیاری هویت واقعی خویش را پنهان می‌کرد، حتی هویتی که اکثریت تأیید می‌کردند را رد می‌کرد. ترس از این که این برخی بود که خدای ناخواسته کسی از اینجا رانده شود. درواقع هدف از این کار تعیین هویت بود که بنده برای این هویت یابی داشتم. این مبنای تدوین این تبار نامه شده است.

اما شیوه کار بدین منوال می‌باشد که اگر خانواده‌ای خود را به طایفه منتسب می‌کرد. ما با نام همان طایفه آنان را معرفی نموده‌ایم. گروهی دیگر برای انتساب به هیچ یک از طوایف را به یاد نداشته، اما از محلی که به الک کوچیده اند خبر آگاهی دارند. که میرآوایی‌ها، لیلآخی‌ها و جوانرودیها در فصلهای جداگانه و به تفصیل در فصل یازدهم معرفی شده‌اند. در فصل دوازدهم تیره‌هایی که نه مدعی انتساب به طایفه‌ای هستند نه مبدأ مشخصی برای مهاجرت به آبادی الک را معین کرده‌اند. در بخش ضمیمه نیز به دلیل آنکه تمامی‌های آبادی طایانه و گویلی‌ها آبادی سرابکام

به نوعی نماینده حکومت الک در آبادی‌های خویش بوده اند، مختصری در خصوص آنها آمده است. نمایندگان و کدخدایانی محلی معین شده از سوی حکومت الک، در آبادی‌های درویشان سفلی، سرچم، الک کهنه و سیداسماعیل چون ریشه‌های در آبادی الک دارند، در لایه لای دیگر تیره‌های آبادی الک نامی از آنها آمده است، لذا نیازی به اختصاص مبحثی به آنها نبود.

کاری که بنده به نام تبارنامه انجام داده‌ام، قطعاً خالی از ایراد نیست، اما امیدوارم راهی باشد برای کسانی که بخواهند در این باره دقت بیشتری کنند. از کسانی که به ناچار برای معرفی خانواده‌شان مجبور بودم برخی پرسونده‌های کوچک بپرسیم، عذرخواهی می‌کنم. چرا که تشابهات اسمی شناخت افراد را مشکل مواجه می‌ساخت. در نتیجه برخی با همان القابی که مردم الک می‌شناختند، معرفی شدند. هدف اهانت به کسی نبوده است. در آخر از آقای احمد فریدی فرزندان پیشینم، اله که صبورانه بارها سوالات تکراری بنده را پاسخ می‌گفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم. امید است مورد پسند باشد.

در پناه حق

رستم علیخانی

بهمن ۱۳۹۳ خورشیدی / ربیع الثانی ۱۴۳۵ قمری روستای الک

پیشگفتار

در بیان حدود آبادی الک

تأسیس از انقلاب ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷ خورشیدی) آبادی الک دارالحکومه‌ی حکامی بود که با سکونت در آبادی الک بر آبادی‌های دروین سفلی، الک کهنه، سرابکام، طیان، صیداسماعیل، سرچم و علی آباد صارم آباد حکومت و مالکیت داشتند و این حاکمیت نسبت به کشته‌ها با مرکزیت الک مدیریت می‌شد. آبادی‌های مذکور به صورت مدور املاک الک را تشکیل داده‌اند. آبادی الک در غرب شهرستان کامیاران و به فاصله هشت کیلومتر از مرکز استان و در وسط آبادی‌های طیان و سرابکام از شمال غرب، الک کهنه و ماراب از جنوب، دریا سفلی جنوب غرب، سرچم از جنوب شرق و صیداسماعیل از سمت شرق احاطه شده است. توضوح با تدقیق در شواهد امر می‌توان گفت که قریه‌های صیداسماعیل، سرچم و سیداسماعیل در دوره امان‌الله خان دوم برای حفاظت از تجاوزات ارضی مهاجمان هم‌پایه‌ها از جنوب (شکل گیری سرچم)، و بعدها در دوره امان‌الله خان دوم گشک‌ها از شرق (شکل گیری صیداسماعیل) و کمانگر و حاکمانشان یعنی وکلا و باشوکی‌ها (شکل گیری سرابکام) که هم مرز الک بودند شکل گرفته‌اند.